

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۱۰ می ۲۰۲۱

ایجاد کمیته های دفاع از خود، یگانه پاسخ و وسیله جلوگیری از دهشت و ترور!

۲

یکشنبه- ۱۹ ثور ۱۴۰۰ - کابل:

۵- تقریباً اندکی بیش از یک ساعت در محل حادثه بودیم، خشم، نفرت عمیق از حاکمیت و طالب، سرگردانی و حال زار مردم از حادثه در فقدان و بی خبری از فرزندان و عزیزشان، در هر کلمه و حرکتی از مردم محل قابل درک بود. در حالی که تا آن زمان خون جانباختگان در روی سرک خشک نشده و مردم اجزای بدن قربانیان این جنایت را جمع می نمودند، باز هم مردم آگاهی خویش را به نمایش گذاشته، به جز عده ای معدودی که به مشکل می شد دریافت که سخنان شان متأثر از عمق و گستره فاجعه است و یا ریگی در کفش دارند و می خواستند آن جنایت را شکل مذهبی و قومی بدهند که خوشبختانه نسل جوان حاضر در صحنه من جمله دوستانی که از محل با ما بودند و یکی دو تن از آنها قسماً از اعتبار اجتماعی نیز برخوردار بودند، زیرا مردم محل با آنها و از روی آنها با ما نیز با احترام برخورد می کردند، خیلی صریح جلو چنان تبلیغاتی را با مثال زنده لوگر و ده ها قربانی جوان و محصل آن دیار به عقب زده، صریحاً مانع از شکل گیری انحراف در دید و تفکر مردم می شدند.

با ختم تقریبی انتقال اجساد و زخمی ها که عمدتاً با وسایل شخصی صورت گرفت و رفتن عزاداران و اعضای فامیل های مجروحان، وقتی محل اندکی خلوت شد، جوانان خشمگین به اساس وساطت موسپیدان به نیروهای امنیتی دولت دست نشانده اجازه دادند تا وارد محل شده، به زعم خودشان مواد لازم را جهات شناسائی عاملان آن جمع نمایند.

۶- بعد از تقریباً یک ساعت توقف در آنجا، از یک جانب به نسبت نزدیکی زمان افطار و از جانب دیگر بحث در مورد حادثه، دوستان تصمیم گرفتند که همه به منزل دوستی برویم که همیشه چنین بارهائی را برداشته است.

در منزل این دوست جمعاً ۹ نفر جمع شده بودیم، یعنی به علاوه ما دو مهمان، ۷ تن از باشندگان محل که همه عناصر متعهد و وفادار به مردم و مدافع حقوق و آزادیهای دموکراتیک زحمتکشانشان کشور اند، حضور یافتند. تعدادی از این دوستان که روزه دار بودند و در نزدیکی محل سکونت میزبان ما زندگی می کردند، متوجه نشدم که چگونه به فامیل های شان پیام داده بودند که افطاری آنها را در جایی که بودند بفرستند، آنچه این حرکت به نمایش گذاشت، ادامه جهت مثبت فرهنگ روستائی در بطن شهر بود.

یعنی در حالی که زندگانی در شهرها انسانها را چنان تنها و خودنگر بار آورده که در چنین مواردی کمترین توجهی به وضعیت میزبان نمی کنند و میزبان هم هر نوع پیشنهاد کمکی را به نحوی برای خود اهانت می شمارد، در اکثر روستا های کشور، رسم چنان است که مهمان دیروقت و یا همان "ناوقت" را مهمان روستا دانسته، هر فردی که بخواهد در جمع شرکت کند، حداقل با یک کاسه آب و یک لقمه از مهمان پذیرائی می کند.

۷- چه قبل از افطار و چه حین صرف غذا - به خصوص برای سه تن از حضار که زودتر از دیگران به محل رسیده بودند، بعد از دیدن آنهمه تکه پاره های اجساد و جمع کردن آنها از روی زمین و کمک به انتقال آنها به مشکل از گلو فرو می رفت. و چه بعد از صرف غذا، به علاوه بحث برای آینده چه باید کرد، عمده ترین نکته ای که مورد بحث قرار گرفت، عاملان انفجار بود.

در حالی که اکثریت دوستان حاضر در آن جمع، اعتقاد داشتند که این کار را طالب انجام داده است و غرض از انجام آن زیر فشار قرار دادن دولت دست نشانده است و آنها می خواهند از دو طریق یعنی فشار در جبهات جنگ و تشدید ترور در شهر ها و به اصطلاح نظامی وارد کردن ضربه به "اهداف نرم" دولت دست نشانده را وادار به پذیرش خواسته هایشان نمایند و در کنار سایر دلایل به نوشته اخیر خودم معنون به "جان خبرنگاران جان است و .." که در آن موضعگیری "شیر محمد عباس استانکزی" معروف به "شیره کی" خلقی افشاء و انتقاد شده بود، استناد و استدلال می کردند، دو سه تن دیگر ادعا داشتند که این عمل به مانند سایر جنایاتی که "غنی احمدزی" و باندش انجام داده است، باز هم به وسیله خود آنها و مشخصاً به دستور "غنی احمدزی و حمدالله محب" با به خدمت گرفتن "مهمانان داعشی" نزد حاکمیت انجام داده اند.

این دوستان استدلال می کردند که اولاً طالب در مقطع کنونی که "غنی احمدزی" و باندش را در نوک ناوه گیر کرده و سخت در محاصره قرارش داده اند، آنقدر احمق نیستند که با حمله بر هزاره ها، آنهم بعد از لشکر کشی "غنی احمدزی" بر هزاره جات به بهانه تعقیب "علیپور" کشتن مردم و بمباردمان بیرحمانه قریه ها، قصبات و کشتزار های مردم که علی رغم سکوت رسانه ها در آن مورد، صرف به اساس انتقال خبر از طریق تماسهای فردی، امواج نفرت همگانی را علیه آنها بر انگیخته است، بیاید و با حمله بر هزاره ها، خودش را پیش جنگ "غنی احمدزی" ساخته به نحوی به خود زنی بپردازد.

به گفته این دوستان تدارک حمله بر دشت برچی به وسیله "محب" این سگ جاسوس انگلیس که با پشتون نمائی فقط مبشر سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" انگلیس است، وقتی آغاز شد که به بهانه تعقیب دوستان و هواداران "علیپور"، نیروهای امنیتی دولت دست نشانده شبانه بر خانه های مردم حمله آورده، در کشوری که زورمندان در خانه هایشان و بر فراز برج و باروی شان "ده شکه" و "زیکو یک" گذاشته، افراد آنها با راکت انداز های امریکائی و روسی برشانه های شان، نمایش قدرت می دهند، دیگ و دیگران مردم دشت برچی را به بهانه پیدا کردن سلاح تخریب نموده، حتا تفنگ های ساچمه ئی تعدادی از غریب بچه های باشندۀ محل را که با آن نان به دست می آوردند نیز باخود برده، خانه هائی را که قبلاً محل تمرکز "کمیته های دفاع از خود" بود بشدت مورد آزار و اذیت قرار داند.

به گفته این دوستان از همان زمان احساس می شد که دولت دست نشانده، تصمیم دارد تا دشت برچی را به خاک و خون بکشانند، اما کجا، جایش معلوم نبود. مکتب "سید الشهداء" زمانی به مثابه محل مجازات ساکنان دشت برچی انتخاب شد، که شاگردان آن لایسه، در مخالفت با سیاست های ضد فرهنگی خانم "خمک دوز" نورچشمی جدید "غنی احمدزی" و باند جنایتکار و وطن فروشش، بر خیابانها ریختند و با تظاهرات شان از وزارت معارف خواستار معلم شدند.

این دوستان با تکیه و استناد بر سیاست های ضد ملی و ضد انسانی دولت دست نشانده من جمله این که هیچ گونه حرکت از پائین را تحمل نمی کند و این عدم تحملش را همیشه با سرکوب حرکات مردمی نشان داده است، انفجار دهشتناک و جنایتکارانه روز گذشته را محصول کار استخباراتی دولت دست نشانده از طریق عمالش در درون "داعش" به خصوص "مهمانان جناب رئیس" می دانستند.

ادامه دارد.